

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، مارچ ۲۰۰۹م

بهار در غربت

چه خرمیست که فصل بهار می آید
ز بلبلان شده آراسته فضای چمن
گلست و لاله و سنبل، ولی بدیده من
به یاد میهن زیبا و کوهساران
کدام موسم عیش و کدام فصل بهار
بهار آنکه به کابل ز نکهت نوروز
بهار آنکه ز جوش شقایق و نسرين
بهار آنکه ز برگ شکوفه رنگین
بهار آنکه ز فرش زمردین به نظر
بهار آنکه به مرغاب و بامی نامی
بهار آنکه ز گل‌های نرگس و نارنج
بهار آنکه ز خون شهید خفته بخاک
چنین بهار گر از دامن وطن خیزد
به گوش زمزمه های هزار می آید
قنار، نغمه سرا گشته، سار می آید
وطن چو نیست، همه نیش خار می آید
سرشکم از مژه بی اختیار می آید
دل فسرده ما را به کار می آید
عبیر سوده و مشک تتر می آید
به دشت و دامن قندز، مزار می آید
به قندهار به برگ انار می آید
به کوهسار بدخشار، تزار می آید
به بلخ و بتکده نوبهار می آید
به ننگهار به چندین وقار می آید
هرات هم به شمار مزار می آید
نشاط آور و هم مشکبار می آید

به چشم بلبل افتاده در قفس چو «اسیر»

بهار بی وطنی چون غبار می آید